

ملاقات در فکه



■ زندگی‌نامه
شهید حسن باقری
(غلامحسین افشردی)
■ سعید علامیان
■ انتشارات سوره مهر
■ ۳۳۶ صفحه
■ ۷۵ هزار تومان

این کتاب از خاطرات دوران کودکی شهید باقری آغاز شده و بعد از آن به پیروزی انقلاب و در نهایت به حضور حسن باقری به عنوان یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین فرماندهان در جبهه‌های جنگ می‌پردازد. حسن باقری با آغاز جنگ، وارد خوزستان شد و ۲۸ ماه عمر خود را در میدان‌های جنگ گذراند. حسن باقری هنگام شهادت، در ۲۷ سالگی، جانشین نیروی زمینی سپاه و در ردیف فرماندهان رده اول جنگ بود.

شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند...



■ زندگی‌نامه داستانی
محمد رضا تنگسیری
■ زهره یزدان پناه
■ قره‌تپه
■ مرکز نشر آثار شهید
حسن باقری
■ ۵۶۵ صفحه
■ ۴۰ هزار تومان

این کتاب داستان زندگی یک مرد است؛ همان شاپرک عاشق، که شاید شاهبیت کلمات درباره زندگی او همین چند کلمه باشد: «شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند». کسی که ساده زندگی کرد، ساده هم رفت اما باشکوه عشق، گذشت، ایثار، فداکاری. گرچه می‌توانست غیر این باشد که بود و غیر این زندگی کند که زندگی کرد. محمد رضا تنگسیری بزرگ‌شده مکتب سیدالشهدا علیه‌السلام بود که جز این انتظار نمی‌رفت.

مجموعه آثار شهدای اطلاعات ۱



■ از راست نفر سوم
■ (زندگی‌نامه شهید
حمید قلنبری)
■ زهرا حیدری
■ مرکز نشر آثار شهید
حسن باقری
■ ۱۵۴ صفحه
■ ۱۶ هزار تومان

این اثر بهانه‌ای است برای یافتن سرچشمه‌های دانایی و محل جوشش نخستین شریعه زلالی که خوانندگان عطشان را به پای زمزم اندیشه مرام و جهاد اسوه‌های واحد اطلاعات می‌رساند. در این کتاب داستان زندگی حمید قلنبر، شهید ۲۱ ساله به تصویر کشیده شده است. حمید قلنبر، معاونت اطلاعات منطقه ششم سپاه پاسداران را که شامل استان‌های کرمان، یزد و سیستان و بلوچستان بود به عهده داشت و سپس به عنوان مشاور سیاسی استاندار مشغول به کار شد و...

اسناد در این باره می‌گوید: «یکی از شب‌ها از منطقه عملیات ثامن الائمه برگشت. منطقه هنوز آماده نشده بود و بچه‌ها کار می‌کردند تا منطقه آماده کار شود و عملیات صورت گیرد. دیروقت از منطقه آبادان برگشت اما علی رغم خستگی که داشت، کناری پشت میز نشست و شروع کرد به یادداشت کردن. همه بچه‌ها خواب بودند. تعجب کردم و پرسیدم: مگر خسته نیستی؟ برو بگیر خواب. او مسئول ما بود اما خودمانی صحبت می‌کردیم. گفت: باید بعضی از مطالب را بنویسم، خاطراتم را هم باید بنویسم. گفتم: چرا ما مثل شما نیستیم و نمی‌توانیم بنویسیم؟ گفت: کافی است تصمیم بگیرید و تمرین کنید. این کار تمرین می‌خواهد. در آن صورت، راحت می‌توانید همه چیز را بنویسید.»

اولین یادداشت‌های روزانه‌ای که از حسن باقری به دست ما رسیده، متعلق به سال ۱۳۵۶ است. در این یادداشت‌ها، فقط وقایع مهم روزانه - و نه وقایع مهم زندگی شخصی - ثبت شده است. مهم‌ترین یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری متعلق به سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ است که از روز اول فروردین ۱۳۶۰ شرح وقایع روزانه‌نویسی آغاز می‌شود و تا بهمن ۱۳۶۱ و شهادتش ادامه می‌یابد. یادداشت‌های مربوط به هر کدام از این سال‌ها در یک تقویم (سررسید) نوشته شده است. این سررسیدها به شکل کتاب‌چه، در قطع رقیعی و جلد پلاستیکی هستند. صفحات آن نیز به شکلی است که در بالای هر صفحه، تاریخ مربوط به همان روز درج شده و فضای خالی کافی برای یادداشت‌نویسی وجود دارد. حسن باقری وقایع روزانه را در صفحه مربوط به همان روز نوشته است.

احمد دهقان که ویرایش، تدوین و مستندسازی روزنوشت‌های شهید باقری را انجام داده، در پیش‌گفتار کتاب می‌نویسد: «در این کتاب، تمام یادداشت‌ها و حتی مطالبی که در حاشیه هر صفحه نوشته شده، آمده است. بعضی روزها، نویسنده شرح وقایع روزانه را یادداشت نکرده که در کتاب مشخص است. یادداشت‌های روزانه ۹ تا بهمن ۱۳۶۱ یعنی روز شهادت صاحب دفاتر ادامه می‌یابد. در حین آماده‌سازی و ویرایش، سعی شده بدون دخالت در متن و تنها با اعمال علایم ویرایشی مانند نقطه و ویرگول، از غلط‌خوانی متن جلوگیری شود. این تغییرات فقط در جهت روان‌خوانی اثر است. به همین دلیل، متن اصلی بدون تغییر در محتوا و شکل کلی منتشر شده است.»



یادداشت‌های روزانه شهید
آینه زندگی روزانه شهید
حسن باقری در جنگ
تحمیلی هستند و به
همین دلیل اهمیت
دارند. روزنوشت‌ها
علاوه بر اینکه وقایع
شخصی روزانه را روایت
می‌کنند، روایت‌گر
تاریخ جنگ از زبان
یکی از تاریخ‌سازان آن
برهه هستند

عراقی پس از اسارت در بازجویی‌ها چنین گفته است: «گفتم فکر نمی‌کنی که سپاه هم در طراحی عملیات شرکت داشته؟ گفت مسائل نظامی از دور راه به دست می‌آید: اول علم و دوم تجربه. هیچ‌کدام را سپاه به علت عمر کوتاهش ندارد و من نمی‌توانم نظر بدهم.» شیوه‌های جنگی سپاه پاسداران که بر اساس مقدمات و با حضور داوطلبان جنگی پی‌ریزی شد، توانست روند جنگ را از حالت رکود خارج کند و عملیات پیروزمند بعدی بر اساس این شیوه‌ها طراحی و اجرا شد. حسن باقری از ارکان تغییر شیوه نبرد با دشمن بود.

آینه زندگی شهید حسن باقری

یکی از خصوصیات حسن باقری یادداشت‌نویسی بود. در پیش‌گفتار «روزنوشت» از قول منوچهر دژکام، از فرماندهان ارشد ارتش در دوران دفاع مقدس آمده است: «او فردی دست به قلم بود. با سن کم و تحصیلات نظامی کم، برایم واقعاً جالب بود که مثل یک نظامی حرفه‌ای عمل می‌کرد. به خصوص همه مطالب را می‌نوشت. می‌خواهم بگویم که او یک دانشجو بود که کلیه صحبت‌ها راجع به عملیات، پرسنلی یا لجستیک که از زبان هر یک از نظامیان کادر یا برادران سپاهی بود، یادداشت می‌کرد.»

یادداشت‌های روزانه آینه زندگی روزانه شهید حسن باقری در جنگ تحمیلی هستند و به همین دلیل اهمیت دارند. روزنوشت‌ها علاوه بر اینکه وقایع شخصی روزانه را روایت می‌کنند، روایت‌گر تاریخ جنگ از زبان یکی از تاریخ‌سازان آن برهه هستند. او بنا به مسئولیتی که بر دوش داشت، در معرض سری‌ترین و مشکل‌ترین تصمیم‌گیری‌ها قرار گرفت. به همین دلیل، روایت تاریخ جنگ از نگاه او علاوه بر لذت خواندن برای خواننده عادی، از مهم‌ترین منابع تاریخی آن دوران به حساب می‌آید که می‌تواند ناگفته‌های بسیاری را بیان کند.

بنا به آن چه از شواهد مکتوب و مستندات استنباط می‌شود، حسن باقری یادداشت‌های روزانه‌نویسی را از نوجوانی و جوانی آغاز کرده و از آن دوره یادداشت‌های روزانه - هر چند اندک به جا مانده است. این نوشته‌ها نشان می‌دهد که عادت یادداشت‌نویسی، نه از دوران جنگ، بلکه از گذشته با او همراه بوده است.

این روزنوشت‌ها، فارغ از اهمیت آن‌ها، گواهی می‌دهند که او می‌خواست خالصه فعالیت روزانه خود را ثبت کند. هم‌چنان که بعدها این رویه را به طور کامل‌تر ادامه داد. مؤید رضوانی، مسئول ترجمه

اولین و آخرین روزنوشت جنگی شهید حسن باقری

شنبه یک فروردین ۱۳۶۰ / ۱۴ جمادای الاول ۱۴۰۰ / ۲۱
مارچ ۱۹۸۱

از دو روز پیش با فرمانده لشکر ۱۶ [سیروس] [لطفی] در مورد سوسنگرد صحبت کردیم و توافق نامه‌ای در این زمینه با [علی] [شمخانی] امضا شد. دیشب پیش فرمانده تیپ [۵۵] هوابرد رفتیم و بر سر کلیات توافق شد. امروز صبح مطلب را

با فرمانده سپاه سوسنگرد و فرمانده عملیات مطرح کردیم و با [غلام‌علی] رشید رفتیم شناسایی طرف سیدخلف، دهلاویه، بردیه کوچک، بزرگ و احیمر. تیپ هوابرد افسر مربوطه را نفرستاد ولی قرار شد ستوان بهادری شناسایی مجدد را با افسران تیپ هوابرد انجام دهد و سپاه سوسنگرد نیز شناسایی محل خود را انجام دهد. شب هم



رفتیم لشکر ۹۲ در مورد سد فارسیات صحبت شد. توافق گردید که سد زده شود و لشکر ۹۲ در مورد بلدوزر هم کمک کند.

سه‌شنبه ۵ بهمن ۱۳۶۱
بسمه‌تعالی. صبح برادر محسن [رضایی] رفت برای بسیجی‌ها صحبت کند. من به اهواز رفتم تا با اسرا در مورد طرح مانور صحبت کنم. با [سرهنگ عراقی] [نزار] و [سرهنگ عراقی] [داود] و عبدالرضا [عبدالهادی] صحبت کردم. [سرهنگ عراقی] [داود] در مورد واحدهای عراقی توجه داشت و نزار [صاحب کاظم] هم نظریات خوبی می‌داد. این‌ها را شب آوردیم نزد برادر محسن [رضایی] و [علی] صیاد [شیرازی]. شب تا ساعت دو نیمه‌شب جلسه بود. اطراف قرارگاه را توپ می‌زدند و صدای کالیبر نیز می‌آمد.